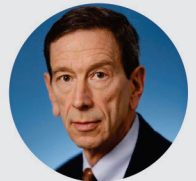


جلوگیری از بحران هسته‌ای جدید ایران

نویسنده: رابرت اینهورن
ژانویه ۲۰۲۰

درباره نویسنده



رابرت اینهورن

رابرت اینهورن عضو ارشد سیاست خارجی، مرکز امنیت و اطلاعات قرن ۲۱، مقام ارشد سازمان کنترل و منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی

خلاصه اجرایی

اعلامیه ایران در ۵ ژانویه ۲۰۲۰ مبنی بر اینکه دیگر خود را مقید به محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ذکر شده در توافق برجام نمیداند، محدودیت‌هایی که در برنامه جامع اقدام مشترک (JCPOA) معروف به "توافق هسته‌ای" وجود دارد، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی تلاش خود را برای ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز جهت تولید سلاح‌های هسته‌ای به کار می‌گیرد و ایالات متحده یا اسرائیل حمله‌های نظامی خود را برای متوقف کردن آن انجام می‌دهند. اما در حالی که اعلامیه تهران چنین سناریوی نگران‌کننده‌ای را ممکن می‌سازد و برجام را بیشتر به سمت نابودی می‌کشاند، حداقل در حال حاضر ایجاد یک بحران هسته‌ای از این مسیر بسیار غیرممکن است.

برای کم کردن احتمال این امر، ایالات متحده و سایر کشورهای ذی نفع باید به دنبال این باشند که ایران را از بازسازی زیرساخت‌های هسته‌ای خود منع کنند؛ که نتیجه این امر کاهش زمان مورد نیاز برای تولید سلاح‌های هسته‌ای خود خواهد بود. به طور مشخص، آنها باید با ایران یک توافق کوتاه مدت را ایجاد کنند؛ توافقی که به طور موقت پیشرفت‌های هسته‌ای ایران را در ازای برخی اقدامات، از جمله کاهش تحریم‌های آمریکا، متوقف می‌سازد. در غیر این صورت به شرایط گذشته برمیگرداند. چنین توافق کوتاه مدتی میتواند از بدتر شدن شرایط جلوگیری کرده و برای دستیابی به یک توافق سودبخش درباره‌ی مسئله هسته‌ای کمک کند و همچنین پلی به سمت مذاکره‌ای باشد که منجر به دستیابی به یک توافق رسمی‌تر، براساس تجدید نظر درباره‌ی برجام، صورت بگیرد. شاید این راهی برای گفت و گو درباره‌ی سایر مسائلی باشد که ایران را از ایالات متحده و کشورهای دیگر جدا می‌کند.

موسسه بروکینگز، یک سازمان غیر انتفاعی است که به تحقیق و جستجوی راه‌حل‌های مستقل سیاسی اختصاص داده شده است. مأموریت آن انجام تحقیقات مستقل و با کیفیت بالا است تا براساس آن، توصیه‌های عملی و نوآورانه برای سیاستگذاران و عموم مردم فراهم شود. نتیجه‌گیری و توصیه‌های نشریه بروکینگز، صرفاً توسط نویسندگان آن ارائه می‌شود و دیدگاه‌های موسسه، مدیریت آن یا سایر محققان آن را منعکس نمی‌کند.

پنج مرحله آخر

بیانیه ایران تعجب آور نبود. از ماه مه ۲۰۱۹ و در فاصله ۲ ماه بعد از آن، ایرانیان گام‌هایی در جهت کاهش تعهدهای خود در توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ برداشتند و بازسازی توان هسته‌ای خود را در دستور کار قرار دادند؛ که به طور مشخص در این امر، برنامه غنی‌سازی مد نظر ایران بود. آنها این مراحل را به عنوان پاسخی به خروج دولت ترامپ از برجام در مه ۲۰۱۸، اعمال مجدد تحریم‌هایی که در برجام معلق بودند و "کمپین فشار حداکثری"

مترجم: سجاد هاشمی
اصلاح و ویرایش: سمیرا علی‌نژاد

رعایت نخواهد کرد. در این بیانیه آمده است که در آینده، برنامه هسته‌ای ایران نه تنها با هیچ محدودیتی مواجه نخواهد بود بلکه با "نیازهای فنی" این کشور اداره خواهد شد. این بیانیه به عنوان "آخرین مرحله" برای کاهش تعهدهای برجام اعلام شد.

در حالی که بیانیه هیئت دولت تقریباً در همان زمان منتشر شد که رهبران ایران متعهد به انتقام از ایالات متحده برای قتل هدفمند قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، بودند، اینگونه تلقی شد که آن بیانیه به عنوان بخشی از انتقام جویی ایران از قتل قاسم سلیمانی بود. هم زمان شدن انتشار بیانیه در مورد برجام و تهدید تلافی جویانه، تا حد زیادی تصادفی بود. پیش از کشته شدن سلیمانی، انتظار می‌رفت که ایران یک مرحله دیگر از اقدامات هسته‌ای را در ۵ ژانویه یا حول آن نشان دهد. عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، در همان روز اظهار داشت که "تصمیمات مربوط به "گام پنجم" قبل از قتل قاسم سلیمانی گرفته شده بود، اما با توجه به شرایط فعلی، برخی تغییرات در جلسه مهم امشب اتخاذ خواهد شد." هنوز مشخص نیست که آیا پنجمین گام ایران، فراتر از آنچه در ابتدا برنامه ریزی شده بود، انجام شده است یا خیر.

چرا ایران ممکن است به سرعت ظرفیت هسته‌ای خود را افزایش دهد؟

در هر صورت، ایران اکنون آزاد است که ظرفیت غنی‌سازی خود را افزایش دهد؛ و در نتیجه زمان گریز خود را تا آنجا که می‌خواهد کاهش دهد. اما تهران چگونه تصمیم به ادامه کار خواهد گرفت؟ احتمالاً در محافل خاص ایرانی، حمایت قوی برای افزایش ظرفیت غنی‌سازی با سرعت بالا وجود دارد. از دیرباز، هدف ایران اینگونه اعلام شده بود که برنامه غنی‌سازی "در مقیاس صنعتی" داشته باشد تا بتواند سالانه به اندازه کافی سوخت اورانیوم با غنای پایین تولید کند و در نتیجه بتواند یک راکتور هسته‌ای ۱۰۰۰ مگاواتی (مانند راکتور بوشهر، که توسط روسیه عرضه شده بود) را به مدت تقریباً یک سال نیرو دهد. چنین برنامه‌ای نیاز به حدود ۱۹۰۰۰۰ سانتریفیوژ P1 نسل اول دارد (این مقدار را با حدود تقریباً ۵۰۰۰ P1 مجاز گفته شده در برجام مقایسه کنید). اگرچه بدون شک ایران P1 ها را با تعداد بسیار کمتری سانتریفیوژ جدیدتر و کارآمدتر جایگزین می‌کند. در حالی که مقامات ایرانی ادعا می‌کنند که چنین برنامه غنی‌سازی در مقیاس صنعتی، منحصراً به تولید انرژی

توجیه کردند. در هر مرحله، ایرانیان اظهار داشتند که در صورتی به اجرای کامل تعهدهای خود در برجام باز می‌گردند که ایالات متحده موضع خود را تغییر دهد و تحریم‌هایی را لغو کند که به عقیده آنها بر اساس توافق هسته‌ای لغو شده بود؛ اما آمریکا مجدداً همان تحریم‌ها را اعمال کرد.

گام‌های افزایشی که ایران در سال ۲۰۱۹ برای فراتر رفتن از تعهدهای خود در برجام برداشته است، نسبتاً متعادل بوده و ظاهراً طوری طراحی شده است که تحریک آمیز نباشد. گام‌ها شامل حذف سقف ذخایر اورانیوم غنی شده و آب سنگین و همچنین افزایش سطح غنی‌سازی به طوری که درصد غنی‌سازی همچنان زیر ۵ درصد باقی بماند، بود. همچنین این گام‌ها کاهش محدودیت‌هایی که در مورد تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته بودند را دربر می‌گرفت. گامی که عموماً تحریک آمیز به نظر می‌رسید، تصمیم برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم، در تأسیسات زیرزمینی فردو بود، زیرا این سایت قبلاً مخفی بود و واشنگتن و سایرین تصور می‌کردند که برای تولید پنهانی اورانیوم با درصد غنی‌سازی کافی برای تولید سلاح طراحی شده باشد. اما این گام تا حد زیادی نمادین بود؛ زیرا تنها تعداد محدودی از سانتریفیوژهایی که می‌توانستند در آنجا مستقر شوند به حجم بسیار عظیمی که در تأسیسات غنی‌سازی اصلی ایران در نطنز فعالیت می‌کردند، افزوده می‌شد.

یکی از اهداف مهم برجام افزایش "زمان گریز" بود - یعنی مدت زمان کافی که ایران برای تولید اورانیوم غنی شده لازم دارد تا یک سلاح هسته‌ای بسازد. با کاهش شدید تعداد سانتریفیوژهای در حال کار، امکان استفاده از تنها سانتریفیوژهای ناکارآمد نسل اول، کاهش شدید ذخایر اورانیوم غنی شده، کاهش سطح غنی‌سازی از ۲۰ درصد به کمتر از ۵ درصد و محدود کردن تحقیقات و توسعه برای سانتریفیوژهای کارآمدتر، برجام زمان گریز را از حدود دو ماه یا سه ماه به حدود ۱۲ ماه افزایش داد. اقداماتی که ایران در سال ۲۰۱۹ برای کاهش تعهدهای خود انجام داد باعث شد تا به تدریج زمان گریز - به میزان نسبتاً کمی - کاهش یابد.

بیانیه ۵ ژانویه، پنجمین مورد از مجموعه بیانیه‌هایی بود که مقامات ایران در هشت ماه گذشته به منظور کاهش بیشتر محدودیت‌های برجام اعلام کردند. بیانیه‌ای که توسط کابینه ایران منتشر شد نشان می‌داد که ایران دیگر هیچ محدودیتی را در "مناطق عملیاتی" از جمله تعداد سانتریفیوژها، درصد غنی‌سازی، حجم مواد غنی شده و تحقیق و توسعه پیرامون برنامه هسته‌ای خود،

از ماه می، هنگامی که ایران شروع به کاهش تعهدهای خود در برجام کرد، فرانسه، آلمان و بریتانیا (E۳) - سه دولت اروپایی شرکت کننده در برجام، به تهران هشدار دادند که اقداماتش، نقض توافق هسته‌ای است و این می‌تواند آنها را مجبور کند که به "سازوکار حل اختلاف" توافقنامه استناد کنند؛ این عمل می‌تواند منجر به "عقب نشینی مجدد" (یعنی اعمال مجدد) تحریم‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران بشود که تحت برجام به حالت تعلیق درآمده بود. تغییری که می‌تواند به مشکلات اقتصادی ایرانیان که در حال حاضر با آن روبه رو هستند بیفزاید. E۳ تا کنون حتی برای آغاز فرایند حل اختلاف نیز اکراه داشت؛ زیرا اگر منجر به اعمال مجدد تحریم‌های شورای امنیت شود، به احتمال زیاد به معنای فروپاشی کلی برجام است، چیزی که اروپایی‌ها مصمم به نجات آن هستند.

در پی بیانیه ایران در ۵ ژانویه، وزیران خارجه E۳ در ۱۴ ژانویه تصمیم گرفتند که از مکانیسم حل اختلاف برجام استفاده کنند. فرآیندی که شامل چندین مرحله دیپلماتیک است و ممکن است تقریباً دو ماه طول بکشد تا تصمیمی در مورد بازگشت تحریم‌ها گرفته شود. این سه وزیر در بیانیه مشترک خود تأکید کردند که اقدامات ایران چاره‌ای جز آغاز این روند برای آنها باقی نمی‌گذارد؛ اما آنها امیدوارند که راهی برای حل این بن بست از طریق گفتگوی دیپلماتیک و سازنده و در عین حال با حفظ برجام پیدا خواهند کرد. ظاهراً اروپایی‌ها قصد دارند که از گزینه بازگشت تحریم‌ها برای تهدید کردن استفاده کنند تا ایران پیشرفت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند یا به شرایط قبل برگرداند و یا حتی به تعهدهای خود در برجام بازگردد. با مکانیسم حل اختلافات در دستور کار، ایرانیان متوجه شده‌اند که اگر در حال حاضر برای ترویج برنامه هسته‌ای خود تهاجمی عمل کنند، ممکن است اروپایی‌ها احساس کنند که مجبور به استفاده از گزینه بازگشت تحریم‌ها هستند.

ایرانیان همچنین می‌دانند که حرکت سریع به سمت برنامه غنی‌سازی در مقیاس صنعتی می‌تواند حمایت روسیه و چین را به خطر بیندازد. در دوره منتهی به برجام، مسکو و پکن همچون شرکای مذاکره کننده آمریکایی و اروپایی خود با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای مخالف بودند و آنها در اعمال تحریم‌های قوی و فشار بر ایران برای پذیرفتن محدودیت‌های شدید موجود در برجام، به سایرین پیوستند؛ اما آنها به شدت به خروج دولت ترامپ از برجام و کمپین فشار حداکثری آن اعتراض کردند و با وجود تحریم‌های آمریکا، به دنبال

هسته‌ای با اهداف صلح آمیز اختصاص داده می‌شود، اما اگر ایران تصمیم به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای بگیرد، این امکان را نیز فراهم می‌کند که اورانیوم با خلوص کافی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای طی چند هفته تولید کند.

بنابراین می‌توان از ایرانیانی که طرفدار تولید سلاح هسته‌ای در سریع‌ترین زمان ممکن هستند انتظارحمایت از افزایش ظرفیت غنی‌سازی با سرعت بالا را داشت. حمایت از تولید با سرعت بالا نیز ممکن است از جانب کسانی باشد که علاقه‌مند به تولید سلاح‌های هسته‌ای به این زودی نباشند؛ اما ممکن است مایل باشند که در صورت نیاز زیرساخت‌های تولید سلاح‌های هسته‌ای را به سرعت ایجاد کنند. هنوز هم ممکن است از اعضای هسته‌ای ایران، که مایل به داشتن یک برنامه انرژی هسته‌ای قوی و غیرنظامی ایرانی هستند که وابسته به منابع غنی شده خارجی نیست، حمایت بیشتری شود.

در شرایط کنونی - که در آن علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته‌ی دو طرف برای کاهش تنش در پی حمله‌های موشکی ایران به دو پایگاه در عراق که پرسنل نظامی آمریکا در آن مستقر هستند و هنگامی که رهبران رژیم ایران، ایالات متحده را به عنوان یک دشمن تسلیم ناپذیر و یک تهدید مرگبار تلقی می‌کنند، چشم انداز جنگ علنی ایالات متحده و ایران وجود دارد - احتمالاً بحث‌ها در درون ایران برای حرکت به سمت افزایش ظرفیت‌های هسته‌ای خود تقویت شده است.

همچنین باور به این اعتقاد در حال افزایش است که در صورت هرگونه مذاکره در آینده درباره موضوع هسته‌ای، ایران برای دستیابی به یک توافق قابل قبول به اهرم قابل ملاحظه‌ای نیاز دارد؛ و ظرفیت هسته‌ای قابل توجه و رو به رشد ایران، این اهرم را فراهم می‌کند و به واشنگتن انگیزه دستیابی به توافقی را خواهد داد که تحریم‌ها را لغو کند و ایران بسیار به این عمل یعنی لغو تحریم‌های آمریکا نیاز دارد.

اما دلایلی قوی برای پیشروی با سرعت پایین

علیرغم آزادی که ایران اکنون برای توسعه برنامه هسته‌ای خود قائل شده است، دلایل محکمی وجود دارد که ایران تمایل داشته باشد به آرامی و تدریجی پیش رود؛ از جمله تمایل به بیگانه نشدن با اروپایی‌ها یا روس‌ها و چینی‌ها.

داشتند از آن زمان برای انجام آزمایش‌های گسترده و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر از P1‌های نسبتاً ابتدایی که تنها ماشین‌هایی بودند که برجام به آنها اجازه کار می‌داد، استفاده کنند.

اکنون که آنها دیگر مقید به محدودیت‌های تحت برجام نیستند و دیگر مجبور نیستند ۱۰ و ۱۵ سال منتظر بمانند تا برنامه خود را بازسازی کنند، می‌توانند تصمیم بگیرند که هزاران P1 را که تحت توافقنامه ذخیره شده بود، دوباره نصب کنند. این کار می‌تواند زمان گریز را به میزان قابل توجهی کاهش دهد؛ همچنین می‌تواند نسبتاً سریع انجام شود. اما این چیزی نیست که سازمان انرژی اتمی ایران در نظر داشت انجام دهد و از نظر فنی یا اقتصادی هم چندان منطقی نیست. در عوض، آنها احتمالاً برنامه‌های تحقیق و توسعه فعلی خود را برای چندین مدل سانتریفیوژ، قبل از انتخاب محتمل‌ترین گزینه یا گزینه‌ها ادامه خواهند داد و اقدام به تولید گسترش و به کار انداختن تعدادی سانتریفیوژ در مقیاس وسیع خواهند کرد. این فرایند ممکن است چندین سال طول بکشد. بنابراین اگر ایران مطابق آنچه در (بیانیه شورای عالی ۵ ژانویه) گفته شد، مصمم به ادامه دادن برنامه انرژی هسته‌ای غیر نظامی خود، پیرامون نیازهای صنعتی باشد و در تلاش برای حرکت به سمت آستانه سلاح‌های هسته‌ای نباشد و چون به دنبال کاهش زمان گریز خود در اسرع وقت است، باید به آهستگی عمل کند و به گونه‌ای پیش نرود که نگرانی‌های بین‌المللی را به دنبال داشته باشد.

هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد ایران برای توسعه ظرفیت هسته‌ای خود عجله دارد

دلایل هر چه که هستند، به نظر می‌رسد ایران حداقل در حال حاضر تصمیم گرفته است که در بخش هسته‌ای رفتاری تحریک‌آمیز نداشته باشد. مقامات ایرانی به روش‌های مختلف سعی کرده‌اند تا ضربه بیانیه ۵ ژانویه را مهار کرده و از واکنش ناخوشایند بین‌المللی جلوگیری کنند. آنها تصریح کردند که از برجام خارج نشده‌اند. همچنین تأکید کردند که هر پنج گامی که برای کاهش تعهدهایشان برداشته شده است برگشت پذیر است و در صورت لغو تحریم‌های آمریکا، به اجرای تعهدهای خود در برجام باز خواهند گشت. علاوه بر این، ایرانیان فعالیت‌های خاصی را اعلام نکردند که نشان دهد تصمیم خاصی برای کم کردن زمان گریز، آن هم با سرعت بالا، گرفته باشند؛ مانند افزایش سطح غنی‌سازی

حفظ روابط سیاسی و اقتصادی نزدیک با تهران بودند. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد ایران در حال پیشروی به سمت توانمندی سلاح‌های هسته‌ای است، روسیه و چین می‌توانند حمایت خود از مواضع ایران را بررسی کنند و آمادگی خود برای محافظت از ایران در برابر فشارهای احتمالی را مجدداً مورد ارزیابی قرار دهند.

به نظر می‌رسد که ایرانیان برای همدردی و حمایت‌هایی که از سوی جامعه بین‌المللی به خاطر رفتار خود نسبت به برجام دریافت کرده‌اند، ارزش زیادی قائل بوده‌اند. از جمله رفتارهای ایران نسبت به برجام میتوان به حفظ تعهدهایشان در برجام به مدت یک سال، حتی با وجود خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها توسط ایالات متحده، اشاره کرد. آنها با انجام اقدامات دقیق و تعدیل شده از ماه می ۲۰۱۹ برای کاهش تعهدهای خود نسبت به برجام، و با تأکید بر این موضوع که اگر ایالات متحده به واسطه معاهده برجام تحریم‌ها را لغو کند، حاضر هستند به برجام بازگردند، توانستند که تا حد زیادی موفق به حفظ این حمایت شوند. اما رهبران ایران باید تشخیص دهند که این حمایت ممکن است تغییر کند و اگر تلاش‌های مخرب برای افزایش ظرفیت هسته‌ای، باعث ایجاد نگرانی بین‌المللی در مورد چشم‌انداز ایران در رابطه با بمب هسته‌ای شود، ممکن است آنها به جای آمریکایی‌ها در سطح بین‌المللی منزوی شوند.

البته بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت یا از دست دادن حمایت روسیه، چین و حمایت گسترده بین‌المللی که بر تصمیم‌گیری در تهران در مورد سرعت کار و مقدار تلاش ایران برای ایجاد برنامه هسته‌ای تأثیر می‌گذارد، تنها نگرانی نیست. شاید با قاطعیت بیشتری باید اذعان کنیم که رهبران ایران باید تشخیص دهند که با ایجاد این تصور که تصمیم گرفته‌اند با سرعت به سوی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای یا حتی زیرساخت‌هایی هسته‌ای حرکت کنند تا بتوانند در مدت زمان کوتاهی سلاح هسته‌ای بسازند، خطر حمله نظامی پیشگیرانه آمریکا یا اسرائیل را به طور قابل توجهی افزایش خواهد داد.

همچنین احتمال دارد دلایل هدفمندی وجود داشته باشد که چرا ایران ممکن است تصمیم گرفته باشد در پیشبرد ظرفیت هسته‌ای خود با احتیاط عمل کند. زمانی که برجام در سال ۲۰۱۵ منعقد شد، برنامه ریزان هسته‌ای ایران به این نتیجه رسیدند که پس از پایان ۱۰ و ۱۵ سال محدودیت‌های هسته‌ای کلیدی تحت این توافق، زمان قابل توجهی برای آماده شدن برای بازسازی زیرساخت‌های هسته‌ای خود خواهند داشت. آنها احتمالاً قصد

که در ۱۰ ژانویه خود را در تحریم‌کردن بخشهایی همچون فلزها، ساختمان، نساجی و دیگر بخشهای صنعتی ایران نشان داد- این اجازه را به ایران میدهد که برای پاسخ به رفتارهای آمریکا به طور جدی تر و با قدرت بیشتری واکنش نشان دهد. از جمله اقدام های آمریکا علیه ایران میتوان به تلاش‌های آن کشور برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی اشاره کرد.

به وضوح به نفع ایالات متحده و جامعه بین المللی است که ایران را تا حد ممکن از رسیدن به آستانه سلاح‌های هسته‌ای دور نگه دارند و در نتیجه با این کار از افزایش زیرساخت‌های هسته‌ای ایران جلوگیری کنند. با توجه به وضعیت مسموم کنونی روابط ایالات متحده و ایران، واشنگتن به سختی در موقعیت مطلوبی قرار دارد که مستقیماً خواستار خویشتنداری ایران باشد، اما میتواند دیگران را به این کار ترغیب کند.

E۳ میتواند نقش مهمی ایفا کند. اکنون که آنها روند حل اختلاف برجام را آغاز کرده اند، چندین هفته فعالیت دیپلماتیک با ایران و سایر اعضای برجام وقت دارند تا تصمیم بگیرند که آیا می خواهند تحریم‌های قبلی شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را آغاز کنند یا خیر. E۳ میتواند از این زمان استفاده کند تا از ایران بخواهد محدودیت‌های داوطلبانه خاصی را در حجم و سرعت برنامه هسته‌ای خود اعمال کند. (به عنوان مثال، غنی‌سازی ۵ درصد یا کمتر از آن، افزایش تعداد سانتریفیوژها به میزان تدریجی و به تعویق انداختن دوره معقول نصب و راه اندازی سانتریفیوژهای پیشرفته برای بازگرداندن راکتور اراک تا با به تعویق انداختن دوره نصب تولید پلوتونیوم را به حداقل برسانند و البته اجرای کلیه اقدامات نظارتی و بازرسی برجام). در مقابل، E۳ میتواند به ایران اطمینان دهد که باعث بازگشت تحریم‌ها نمی‌شود. ایالات متحده باید از سه متحد اروپایی خود بخواهد که چنین رویکردی را دنبال کنند.

ایالات متحده همچنین باید با روسیه و چین درباره اندازه و سرعت بازسازی زیرساخت‌های هسته‌ای ایران مشورت کند، و آنها را تشویق کند تا تهران را تحت فشار قرار دهند تا ایران رفتاری تحریک آمیز نداشته باشد. علیرغم اختلافات شدید با واشنگتن در مورد برجام و کمپین فشار حداکثری آن، مسکو و پکن علاقه کمی برای دستیابی ایران به برنامه غنی‌سازی در مقیاس صنعتی دارند، برنامه ای که بتواند زمان گریز را تا حد زیادی کاهش بدهد؛ نتیجه کاهش زمان گریز ایران افزایش بی ثباتی در منطقه است. این افزایش بی ثباتی در منطقه باعث شود که خطر حمله‌های نظامی پیشگیرانه افزایش یابد.

به ۲۰ درصد و یا حتی بیش تر از آن. آنها اشاره کردند که بیانیه ۵ ژانویه آخرین گام برای اعلام کاهش تعهدات برجامی آنها بود که برخی از ناظران آن را نشانه مثبتی تلقی کردند، زیرا می تواند هر دو ماه، فشار بر دولت ایران را برای ادامه اقدامات بیشتر در نقض برجام کاهش دهد.

مهمتر از همه، ایران کاهش تعهدهای خود را اعلام نکرد و این اقدام بدون در نظر گرفتن نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی صورت گرفت. در بیانیه کابینه آمده است که ایران به همکاری خود با آژانس بین المللی انرژی اتمی مانند گذشته ادامه خواهد داد. جواد ظریف وزیر امور خارجه در توییتی اعلام کرد که "همکاری کامل" با آژانس بین المللی انرژی اتمی ادامه خواهد داشت. ادامه دار بودن "اعمال مشروط" پروتکل الحاقی آژانس بین المللی انرژی اتمی که در قرارا داد ذکر شده بود و شیوه های بازدید جدید و سرزده خاص که توسط برجام صورت گرفته بود و روشهای بی سابقه ای که برای باطل ساختن اعتراضات احتمالی ایران بخاطر دسترسی آژانس بین المللی انرژی اتمی به سایت‌های مشکوک، تعبیه شده بود، به ایالات متحده و جامعه بین المللی اطمینان می‌دهد که هر چند ایران دیگر مقید به محدودیت‌های برجام در مورد برنامه هسته‌ای خود نیست اما هرگونه اقدام تهران برای افزایش ظرفیت هسته‌ای و کاهش زمان گریز به راحتی قابل تشخیص است.

در هفته ها و ماه های پیش رو، به لطف دسترسی و گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی، ممکن است از سرعت و کیفیت اقداماتی مطلع شویم که منجر به حذف محدودیت‌های برجام توسط ایران برای افزایش ظرفیت هسته‌ای خود شده باشد؛ به ویژه آگاه شدن در مورد برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران. اما حداقل تا کنون هیچ نشانه ای مبنی بر حرکت سریع ایران به سمت قابلیت غنی‌سازی در مقیاس وسیع وجود ندارد که زمان گریز آن را به طرز چشمگیری کاهش دهد.

دل‌سرد کردن ایران از نگهداری ذخایر مخرب بیش تر

پیش بینی این که ایران تا چه زمانی با اعتدال برنامه هسته‌ای خود را پیش خواهد برد، سخت است. تشدید رویارویی نظامی فعلی بین ایالات متحده و ایران - با حمله‌های مستقیم نیروهای نظامی هر طرف به تأسیسات، پرسنل یا منافع وسیعتر طرف دیگر - احتمال گفت و گو در تهران بر سر موضوع هسته‌ای را کم رنگ می‌کند. تشدید کمپین فشار حداکثری ایالات متحده - که ظاهراً دولت ترامپ قصد پیگیری آن را دارد، همانطور

توافق هسته‌ای موقت با ایران

کارآمدترین راه برای ایالات متحده جهت ارتقاء محدودیت هسته‌ای ایران، دستیابی به توافق یا تفاهم با ایران است. اما در شرایط فعلی - با ابراز اطمینان دولت ترامپ از این که کمپین فشار حداکثری می‌تواند ایران را وادار به پذیرش خواسته‌هایش کند و رژیم ایران تصمیم خود را برای مقاومت در برابر این گونه خواسته‌ها گرفته است و عزم خود را برای انتقام هوشمندانه از قتل سلیمانی (البته با استفاده از روش‌های پلکانی کوچک تر) جزم کرده است - چشم اندازی برای توافق جدید بین ایران و آمریکا وجود ندارد که بتواند برجام را مورد بازنگری و به روز رسانی قرار دهد یا همچنین به مسائل دیگر مانند برنامه موشک‌های بالستیک ایران و حمایت از نیروهای نیابتی منطقه ای آن بپردازد.

در شرایط کنونی، احتمالاً بیشترین چیزی که می‌توان به دست آورد، یک توافق غیررسمی و موقت است که به طور مقطعی گام‌های ایران، که از تعهدهای برجام فراتر رفته است، را در مقابل معلق کردن برخی تحریم‌های ایالات متحده متوقف میکند یا عقب می‌اندازد. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در سپتامبر گذشته در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به طور فعال تلاش کرد تا چنین اقدامی برای کاهش تنش‌ها را انجام دهد. بر اساس گزارش‌ها، او در آستانه نزدیک کردن دو طرف بر سر توافقی بود که ایران را ملزم می‌داشت تا به تعهدهای خود در برجام بازگردد و در ازای آن درصد قابل ملاحظه‌ای از تحریم‌های آمریکا را لغو می‌کرد و روند مذاکره بر سر یک توافق گسترده‌تر و رسمی‌تر کلید می‌خورد. اما مذاکرات به خاطر گذاشتن شروطی خاص از بین رفت. ترامپ این توافق را مشروط به تعامل مستقیم با حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران کرد و روحانی تأکید کرد که رفع تحریم‌ها مقدم بر تعامل مستقیم با رئیس‌جمهور آمریکا است.

فضای گفت‌وگو از سپتامبر گذشته بدتر شده است؛ و چشم انداز احیای نوعی توافق موقت که در آن زمان روی میز بود، در بهترین حالت نامعلوم است. اما رسیدن به آستانه جنگ در هفته اول سال ۲۰۲۰، تنش بین ایالات متحده و ایران را به بالاترین حد ممکن رسانده است. در صورتی که ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد یا ظرفیت تولید یکباره آن را دارا باشد، احتمال جنگ بین دو کشور به طرز چشمگیری افزایش می‌یابد. بنابراین علیرغم موانع متعدد، باید تلاش دیپلماتیک جدی را برای یافتن راه حلی موقت در مورد موضوع هسته‌ای بکار برد تا

بتوان به طور کوتاه مدت از افزایش ذخایر هسته‌ای ایران و در نتیجه بدتر شدن شرایط فعلی جلوگیری کند.

پلی به سمت برجام ۲

با توجه به اینکه دو بازیگر اصلی، دیگر وظایف خود را نسبت به مذاکرات اصلی، که توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ را ممکن ساخته بود، انجام نمی‌دهند، که نتیجه کلی این وظایف، رفع تحریم‌های آمریکا در ازای محدودیت‌های شدید بر برنامه هسته‌ای ایران بود، برجام تا حد زیادی عملاً بی‌فایده شده است و شانس کمی وجود دارد که اعضای اصلی برجام، با همان شرایط ذکر شده در توافق سال ۲۰۱۵، پای میز مذاکره برگردند.

تا یک اندازه به این دلیل است که حوزه‌های داخلی پر قدرتی در واشنگتن و تهران، شرایط این معامله را به عنوان یک نقص جدی تلقی می‌کنند. منتقدان آمریکایی برجام، به محدود بودن زمان محدودیت‌های کلیدی هسته‌ای، کاستی‌های منتسب به روش‌های بازرسی، و شکست برجام به خاطر عدم رسیدگی به رفتارهای بدخواهانه ایران در خارج از حوزه هسته‌ای اشاره می‌کنند. از سوی دیگر، منتقدان ایرانی از کیفیت اجرای این توافق و محدوده اقدامات پیرامون آن برای کاهش تحریم‌ها ناامید شده‌اند؛ از دلایل ناامیدی ایرانیان از آمریکا، شکست ایالات متحده در برآورده کردن مزایای اقتصادی مورد انتظار ایرانیان در برجام بوده است. از دلایل مهم دیگری که باعث ناامیدی ایرانیان از آمریکا شده است تأثیر وحشتناکی بود که عدم تعلیق تحریم‌های ایالات متحده بر تجار و سرمایه‌گذاران خارجی گذاشت، تحریم‌هایی که قرار بود توسط برجام تعلیق شوند اما این کار صورت نگرفت.

علاوه بر این، فعالیت‌های ایالات متحده و ایران، به دور از تعهدهای خود در برجام، برخی از واقعیتها را تغییر داده است، که بازگشت آنها به میز مذاکره را دشوار می‌سازد. برخی از فعالیت‌ها، مانند حرکت ایران در جهت آزمایش و توسعه سانتریفیوژهای جدید و تغییر روابط تجاری سنتی نفت ایران، با اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا، تحریم‌هایی که علیه صادرات نفت خام ایران اعمال شد، است.

یکی دیگر از دلایل مهم کم بودن احتمال بازگشت دو طرف به قرارداد ۲۰۱۵، این است که به تاریخ انقضاء برخی از مفاد کلیدی آن نزدیک می‌شود. به عنوان مثال، محدودیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد انتقال سلاح‌های متعارف از کشور های دیگر به ایران

در شرایط کنونی، چنین مذاکره‌ای یعنی "دادن امتیاز بیشتر برای گرفتن امتیاز بیشتر" بسیار دور از ذهن است. و اگر ایران بسرعت در حال افزایش ظرفیت‌های هسته‌ای خود باشد و علاوه بر آن، در همکاری با آژانس بین‌المللی کواتهای کند و درمورد اهداف و قابلیت‌های هسته‌ای خود ابهام ایجاد کند و به ویژه اگر نگرانی‌هایی در مورد دستیابی خود به حداقل زمان گریز ایجاد کند و این تصور ایجاد شود که کاهش زمان گریز، منجر به تشدید بحران هسته‌ای خواهد شد، در این صورت شرایط برای پیگیری مذاکرات سازنده می‌تواند وخیم‌تر شود.

بنابراین، در حال حاضر، علیرغم حل و فصل فعلی برجام، یک هدف مهم باید ساخت که پلی از این وضعیت به سمت برجام دو باشد و شرایطی را ادامه دهد که بتواند اجازه‌ی مذاکرات نهایی درباره یک توافق هسته‌ای تجدیدنظرشده را بدهد. این امر همچنین باید شامل حفظ برجام یک به جای از بین بردن آن باشد؛ زیرا محافظت از برخی نمادهای معاهده، این اطمینان را خواهد داد که به ادامه بازنده‌های نظارتی آژانس بین‌المللی، کمک خواهد شد.

برای زنده نگه داشتن آینده توافق هسته‌ای، باید ایران را از استفاده از امتیازات بدست آمده توسط برجام، منصرف کرد. امتیازاتی که به ایران امکان از بین بردن محدودیت‌های اعمال شده در صنایع هسته‌ای خود، که بعد از چند سال از بین خواهند رفت را می‌دهد. و این آزادی باعث ایجاد ظرفیت غنی‌سازی در مقیاس وسیع خواهد شد؛ و پس از دستیابی به این ظرفیت، امکان برگرداندن ایران به شرایط قبل از لغو معافیت‌ها بسیار دشوار خواهد بود. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، اکنون به نظر می‌رسد که رهبران ایران تمایل دارند تا به دلایل مشخصی که ذکر خواهد شد، به تدریج و بدون ایجاد حساسیت و نگرانی، در بازسازی برنامه هسته‌ای خود اقدام کنند. از جمله آن دلایل می‌توان به جلوگیری از بیگانه شدن با حامیان خود، عدم تمایل به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل متحد و یا جلوگیری از آغاز حمله‌های نظامی به تأسیسات هسته‌ای خود اشاره کرد. اما باید این را هم در نظر گرفت که خویشتن داری ایران به سختی قابل اطمینان است. تحولات بین‌المللی و داخلی در ماه‌های آینده می‌تواند رهبران ایران را به اتخاذ رویکردی تهاجمی‌تر سوق دهد.

بنابراین، ایالات متحده و سایر کشورهای ذی‌نفع، باید همکاری که می‌توانند انجام دهند تا ایران را تشویق کنند که در برنامه هسته‌ای خود به صورت محتاطانه

و از ایران به کشورهای دیگر، تا حدود یک سال دیگر لغو می‌شود. محدودیت‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه انتقال فناوری موشک‌های بالستیک، سه سال دیگر لغو می‌شود، و برخی محدودیت‌های برجام در مورد سانتریفیوژ R&D، و محدودیت‌های عمده ذکر شده در آن، که مربوط به برنامه غنی‌سازی ایران می‌باشند، پنج سال بعد به پایان می‌رسند.

از آنجایی که به نفع ایالات متحده نیست تا چنین محدودیت‌هایی (به ویژه محدودیت‌های برجام مربوط به غنی‌سازی) به این زودی به پایان برسند، ایالات متحده مدتهاست که قصد دارد با حمایت طرفداران و منتقدان برجام، مذاکراتی را دنبال کند که در کنار سایر اهداف، زمان پایان محدودیت‌ها را هم تمدید کند (یا از نظر برخی منتقدان حذف کند). علاوه بر این، به جای بازگشت به معاهده اصلی، که در زمان مذاکرات جدید ممکن است از رده خارج شود، می‌توان یک نمونه قوی برای ادامه مستقیم مذاکرات با هدف بازنگری یا به نظر برخی مخالفان (جایگزینی) آن، ارائه داد.

دولت ترامپ خواستار مذاکره درباره یک توافق جامع جدید شده‌است، که نه تنها آنچه را که به عنوان قوانین برجام (به عنوان مثال حذف کامل برنامه غنی‌سازی ایران) تصور می‌کند، اصلاح کند، بلکه رژیم ایران را ملزم به ایجاد تغییرات اساسی در رفتار خارجی و داخلی خود (به عنوان مثال، پایان دادن به حمایت از نیروهای نیابتی منطقه‌ای) کند؛ مجموعه‌ای گسترده از خواسته‌ها که بسیاری از ناظران، آن را مساوی با درخواست تغییر رژیم می‌دانند. اگرچه دولت منکر هدف تغییر رژیم است.

در حال حاضر باید واضح باشد که علیرغم مشکلات اقتصادی عظیمی که از کمپین فشار حداکثری به ایران وارد شده‌است، ایران به مقاومت در برابر خواسته‌های دولت ترامپ ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد تمایل به مذاکره در مورد موضوع هسته‌ای - حتی اگر باعث ایجاد تغییراتی در برجام اصلی شود - تنها در صورتی انجام می‌شود که صراحتاً بر پایه منافع اقتصادی باشد. اگر ایالات متحده در یک مذاکره جدید به دنبال دستیابی به بیش از آنچه که در برجام در سال ۲۰۱۵ به دست آورده بود باشد (مانند محدودیت‌های طولانی مدتی که در زمینه غنی‌سازی ایجاد شده بود)، ایالات متحده باید به ایران امتیازهای بیشتری بدهد؛ و نه تنها باید تحریم‌های پیش‌بینی شده در توافق اصلی را از بین ببرد بلکه لازم است برخی از تحریم‌ها و سیاست‌های اضافی ایالات متحده را حذف کند که مانع توانایی ایران در درک مزیت‌هایی شده‌است که توسط برجام رفع تحریم شده بودند.

این را باید یاد آور شد که توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، به طور موثر حداقل برای ۱۰ تا ۱۵ سال، راه رسیدن ایران به این توانایی را مسدود کرده بود. اما حذف محدودیت‌های هسته‌ای برجام توسط ایران، به این معنا نیست که ما به سمت یک بحران هسته‌ای جدید حرکت می‌کنیم. اگر ایران، ایالات متحده و دیگر کشورهای کلیدی، آمادگی این را داشته باشند که با خویشتنداری و برخورد دیپلماتیک در موضوع هسته‌ای حرکت کنند، می‌توان از ایجاد چنین بحرانی در زمینه هسته‌ای جلوگیری کرد، و تا وقتی شرایط آماده شود، اوضاع را به گونه‌ای حفظ کرد که بتوان به سمت شکل‌گیری یک جانشین رسمی برای برجام حرکت کرد.

حرکت کند. قطعاً آنها باید با ایران به دنبال دستیابی به یک توافق هسته‌ای موقت باشند، که بتواند به طور کوتاه مدت، برنامه هسته‌ای ایران را در ازای تعلیق تحریم‌ها، در شرایط فعلی نگه دارد، و یا حتی برنامه هسته‌ای ایران را به عقب برگرداند، و شاید بتواند ایران را قادر سازد تا صادرات نفت خود را به حدود ۷۰۰۰۰۰ تا یک میلیون بشکه در روز برساند.

بیانیه ایران در ۵ ژانویه مبنی بر اینکه دیگر خود را مقید به محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ذکر شده در توافق برجام نمیداند، این قدرت را به ایران می‌دهد که به توانایی ساخت سلاح‌های هسته‌ای دست پیدا کند؛ و